

من یک نفر هستم؛ یک شمع!

حسین بیات | سیدحسین موسوی، مجموعه‌دار نام‌آشنای کشور و بانی مجموعه فرهنگی موزه‌ای «باغ شاهنامه»، شنبه ۲۱ مهر چهره در نقاب خاک کشید. پیرمرد هشتاد و چهار ساله کدکنی از سال ۱۳۴۴ در مشهد زبسته بود و دلش برای ایران می‌تپید.



ثبت نهمین کاشی چهره‌های ماندگار خراسان با نام سیدحسین موسوی

خیلی‌ها او را به اشتیاق و علاقه‌اش به بناها، اشیا و یادمان‌های تاریخی کشورمان می‌شناختند؛ علاقه‌ای که باعث شد در شصت سال گذشته مجموعه‌ای بی‌نظیر و ارزشمند از میراث گذشتگان خود فراهم آورد؛ مجموعه‌ای که نمی‌شد بر روی قیمت گذاشت اما با ممانعت طبیعی که داشت، تماشای او وقف مؤسسه فرهنگی کهن دیار، کرد. در ادامه همین عشق بود که باغ شاهنامه، را در انتهای توس ۳۳ ساخت تا تحت نظر مؤسسه فرهنگی کهن دیار در مسیر حفظ میراث و یادمان‌های فرهنگی این کهن‌بوم بر فعالیت کند. من سال ۸۸ و در روزهایی که موسوی مشغول ساخت و آماده‌سازی باغ شاهنامه بود، با او آشنا شدم و فرصت یافتیم در این سال‌ها هرازگاهی که مجال می‌یافتیم، هم‌قدم و هم‌کلامش شوم. از دل همین همنشینی‌ها بود که فهمیدم «این آدم، چقدر عاشق ایران و فرهنگ ایرانی است و چقدر برای اعتلای آن از همه چیزش گذشته است... این چند خط، یادی است برای سیدحسین موسوی که باغ شاهنامه را ساخت و معتقد بود، خرده‌فرهنگ‌های ایران می‌تواند جایگزین چاه‌های نفت شود».

● خودش به فکر ساختن یک موزه افتاد موسوی سال‌ها خیاط بود و از قبل همان کار، یادمان‌ها و اشیای عتیقه و قدیمی بسیاری را خریده بود. بعضی‌شان چنان خاص بودند که موزه‌های شهرهای مختلف کشور برای نمایش دادنشان، آن‌ها را از موسوی اجاره می‌کردند. مجموعه‌اش چنان پر بار بود که خودش به فکر ساختن یک موزه افتاد. ابتدا بنا داشت در باغ شخصی خانوادگی‌اش در انتهای توس ۳۳ این موزه را دایر کند اما او عشق دیگری هم داشت، فردوسی، خودش می‌گفت: «باغ شاهنامه دراصل محل زندگی خانوادگی‌ام بود تا اینکه فرزندانم بزرگ شدند و من به این فکر افتادم که درهای باغ را به روی مردم باز کنم. در همین احوال، بنیاد فردوسی راه‌اندازی شد و من هم به‌عنوان عضو هیئت‌مدیره‌اش انتخاب شدم و به‌عنوان یک خراسانی، وظیفه خود دانستم که قدری در معرفی بیشتر این شاعر بزرگ بکوشم. ابتدا از فردوسی شناخت کمی داشتم اما کم‌کم دیدم که فردوسی، تاریخ مکتوب ماست و علاقه‌مندی‌ام به او بیشتر شد. با خودم قرار گذاشتم نسل جوان را حداقل با گوشه‌ای از زحمات فردوسی آشنا کنم. ابتدا می‌خواستیم موزه‌ای بسازم و اشیای قدیمی را از سرگردانی بیرون بیاورم و همه را یک‌جا جمع کنم، اما بعد تصمیم گرفتیم فضای همین باغ را با ثبت مؤسسه‌ای فرهنگی تفریحی به نام «کهن دیار» به شاهنامه و فردوسی اختصاص بدهیم. اشیایی که من با پول شخصی جمع‌آوری کرده‌ام،

همه متعلق به مردم است و خواهد بود، تحت نظارت این مؤسسه. خانواده من تنها امانت‌دار این میراث هستند.

● نقطه‌نقطه این باغ را با دلم ساختم، نه با پولم می‌گفت: «از پنجاه سال گذشته تا اکنون، هیچ دینار و امتیازی از دولت‌ها نگرفتم. در این زمینه تقاضایی هم نکرده‌ام. مثل لاک‌پشت حرکت کرده‌ام و همه دستاوردهایم با بضاعت خودم بوده. هزینه‌های اینجا را از سوراخ سوزن درآورده‌ام و نقطه‌نقطه این باغ را با دلم ساختم نه با پولم. عجیب این بود که دارایی‌اش را برای مردم و فرهنگ ایران به راحتی خرج می‌کرد اما وقتی به خودش می‌رسید، هزار بهانه می‌آورد که پول خودش، خرج خودش نشود. می‌گفت: «اصلا دلم نمی‌لرزد وقتی برای خرید یک چادر ترکمنی فرسوده اصیل، ۲ میلیون تومان پول می‌دهم. می‌دانم همه چیز در حال تغییر است و بسیاری از شیوه‌ها، آداب و سنت‌های زیستی ما درحال از بین رفتن هستند و طولی نمی‌کشد که این چادر ترکمنی دیگر در سرزمین ما یافت نشود. کما اینکه حالا هم مثلش در خود ترکمن صحرا نیست؛ خیلی از ترکمن‌ها از وسایل امروزی برای برپا کردن چادرهایشان بهره می‌گیرند».

او فرهنگ را زیربنای زندگی انسان می‌دانست. امیدوار بود با تمام مشکلات و دغدغه‌هایی که برای کشور و مسئولان وجود دارد، بازهم موضوع فرهنگ در اولویت قرار گیرد و با تأکید می‌گفت: «از خواب



سیدحسین موسوی در باغ شاهنامه، سال ۱۳۹۱ خورشیدی

باید به دیدن مردم و فرهنگ ما بیایند، به دیدن همه آنچه ما به آن مفتخریم. وقتی میلیون‌ها زائر هر ساله به مشهد می‌آیند، باید خود ما برایشان برنامه داشته باشیم». سیدحسین موسوی با همین دیدگاه بود که با همراهی خانواده‌اش باغ شاهنامه را -که حالا از جاذبه‌های گردشگری مشهد و شرق کشور است- ساخت و رونق بخشید. با این همه می‌گفت کاری نکرده‌ام. می‌گفت: «من یک نفر هستم؛ یک شمع. نیم‌قرن دویده‌ام اما خیلی متأسفم که نتوانسته‌ام حتی یک اتاق را روشن کنم. امید من به نسل دانشجو و دانشگاهی است تا الگوهای کاربردی و مناسب را به جامعه و جهان پیشنهاد بدهند. وظیفه همه است که برای هویت ایران وارد گود شوند. موسوی در باغ شاهنامه، هدفش کاربردی کردن فرهنگ بود. با دلسوزی‌ای که مختص خودش بود. می‌گفت: «بیباییم اشتباهاتی را که در مورد مولوی و ابوعلی سینا انجام دادیم، برای فردوسی تکرار نکنیم. در بعضی جاها بوی فردوسی روسی به مشام می‌رسد! من باغ شاهنامه را ساختم تا گوشه‌ای از زحمات او را جبران کنم».

که برمی‌خیزیم، به یک فرهنگ نیاز داریم و اگر در این زمینه ضعیف باشیم، آسیب خواهیم دید. ما کشور بزرگی داریم با خرده‌فرهنگ‌های بسیار. توجه به خرده‌فرهنگ‌ها از اهداف مجموعه باغ شاهنامه است. معتقدم خرده‌فرهنگ‌ها می‌تواند جایگزین چاه‌های نفت ایران بشود. گردشگر خارجی برای دیدن نمای رومی و چینی که به ایران نمی‌آید. برای دیدن ایران باستان به کشور ما می‌آید و این خرده‌فرهنگ‌ها در ایران باستان بوده‌اند و خدمات زیادی هم ارائه داده‌اند. باید این خرده‌فرهنگ‌ها را پیدا کنیم و در شکوفایی دوباره‌شان سهیم شویم».

● متأسفانه هیچ جهانگردی به دیدن ما نمی‌آید وقتی حرف فرهنگ و تاریخ کشور به میان می‌آید، با تعصب خاصی درباره آن صحبت می‌کند، معتقد بود: «ایران، تاریخ و فرهنگی‌اش غنی دارد، و با حسرت می‌گفت: «متأسفانه به دلیل کم‌توجهی ما، هیچ کشوری به دیدن ما نمی‌آید، بلکه ما به دیدن آن‌ها می‌رویم. به دیدار کشورهای کوچک‌تر از خودمان. من در این باره آدم متعصبی هستم و معتقدم که نباید این اتفاق بیفتد. کشور ما بزرگ‌تر است و آن‌ها

گذری بر پیشینه ورزش پارالمپیک در ایران به مناسبت روز ملی آن در تقویم

مشهد و تاریخ طلایی ورزش توان‌یابان



کاروان ایران در اولین حضور در پارالمپیک ۱۹۸۸ سنئول



والیبال نشسته ایران در ۱۹۹۲ بار سلونا



نیره عاکف، اولین مدال‌آور زن ایرانی پارالمپیک

حسین نخعی شریف | المپیک، جشنی مذهبی بوده که در سال ۷۷۶ قبل از میلاد، هر چهار سال یک‌بار در یونان باستان برگزار می‌شده است اما به‌مرور آیین مسابقات ورزشی در آن تغییر می‌کند، با این حال اکتشافات یک باستان‌شناس آلمانی در دل تپه‌های مکانی به نام «المپیا»، پرده از اسرار زیادی برمی‌دارد تا متون کتاب‌های کهن در مورد المپیک بازخوانی شود. در همین اثنا بارون پیر دوکویرتن، فرانسوی در سال ۱۸۸۹ میلادی در پاریس نیز، اساس بازی‌های جدید المپیک را بنامی نهاد تا هفت سال بعد، یعنی در ۱۸۹۶ میلادی، این مسابقات در آتن برگزار و تا امروز بدون وقفه هر چهار سال یک‌بار برپا شوند؛ البته به‌جز سه دوره که جهان درگیر جنگ جهانی بوده است.

پیشینه برگزاری مسابقات پارالمپیک اما به سال ۱۹۴۸ میلادی در لندن بازمی‌گردد. در این سال که نخستین دوره مسابقات المپیک پس از پایان جنگ جهانی دوم برپا شده است، مسابقاتی نیز برای سرایان بریتانیایی فلج شده در جریان جنگ برگزار می‌شود ولی رویداد رسمی برگزاری پارالمپیک، چهار سال بعد یعنی در المپیک ۱۹۵۲ میلادی در هلسنکی فنلاند رخ می‌دهد. در این دوره با شرکت ورزشکارانی از هلند به اضافه سرایان بریتانیایی دوره قبل، این رویداد به‌عنوان نخستین مسابقات بین‌المللی از این نوع در تاریخ ثبت می‌شود. سطرهای بعدی، مروی است بر تاریخ ورزش پارالمپیک در روز ملی پارالمپیک.

ورزش‌های جانبازان و معلولین با مأموریت جدیدی برای جذب و حمایت از این گروه، مسئولیت سنگین‌تری را برعهده می‌گیرد. در ادامه در سال ۱۳۷۷ نیز با توسعه کمی و کیفی ده‌ها رشته ورزشی و افزایش تعداد ورزشکاران، فدراسیون ورزش‌های نابینایان و کم‌بینایان، از فدراسیون جانبازان و معلولین جدا شده، فعالیت خود را به‌صورت مستقل آغاز می‌کند. در همین سال، همچنین با تأکید کمیته بین‌المللی پارالمپیک (IPC) بر تشکیل کمیته ملی پارالمپیک (NPC) در ایران، فرآیند تأیید و تأسیس این کمیته در کشور آغاز و دو سال بعد کمیته تشکیل می‌شود. در سال ۱۳۹۵ نیز پس از سال‌های پیگیری، کمیته ملی پارالمپیک از کمیته ملی المپیک، جدا می‌شود و به‌صورت مستقل درمی‌آید.

مسابقات پارالمپیک در همان شهر میزبان مسابقات المپیک برگزار می‌شود. ● ورزش معلولان در ایران در ایران هرچند از سال ۱۳۳۹ خورشیدی، فدراسیون کرولال (ها بعدا به ناشنوایان تغییر نام داد) فعالیت‌های خاصی را پوشش می‌دهد. اولین قدم در حمایت ورزشی از این قشر جامعه با تأسیس فدراسیون ورزش‌های معلولین در سال ۱۳۵۸، تحقق می‌یابد و شش رشته ورزشی شامل دوومیدانی، شنا، وزنه‌برداری، تنیس روی میز، بسکتبال با ویلچر و والیبال نشسته، فعالیت خود را تحت نظارت این فدراسیون آغاز می‌کنند. با آغاز جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ به لزوم بازپروری جسمی و روحی جانبازان، توجه نشان داده می‌شود و با انضمام نام جانبازان، فدراسیون

● برگزاری نخستین رویداد پارالمپیک در جهان پارالمپیک که از ترکیب پیشوند یونانی «پارا» به معنای همراه و موازی و «المپیک» ساخته شده است و به‌نوعی بر نزدیکی و اهمیت نهضت المپیک و معلولان تأکید می‌کند، در واقع رویدادی ورزشی است که برای ورزشکاران دارای معلولیت‌های جسمی و ذهنی برگزار می‌شود. پس از ثبت نخستین رویداد پارالمپیک در سال ۱۹۵۲ میلادی، اولین دوره مسابقات پارالمپیک سال ۱۹۶۰ میلادی در رم برگزار می‌شود که در آن علاوه بر قربانیان جنگ، افراد دارای معلولیت فلج نیز شرکت کرده‌اند. در ادامه، پس از چهار دوره برگزاری این مسابقات، در پارالمپیک ۱۹۷۶ تورنتو افراد با انواع دیگر معلولیت‌ها نیز مجاز به شرکت در این مسابقات می‌شوند و از سال ۱۹۸۸ نیز

۱۹۸۸؛ سنئول؛ نخستین حضور

از ۱۹۶۰ که اولین دوره مسابقات پارالمپیک در رم تا سال ۱۹۸۸ که مسابقات در سنئول برگزار می‌شود، ایران هیچ نماینده‌ای در این مسابقات ندارد و اولین حضور ورزشکاران کشورمان در این سال رقم می‌خورد، جایی که ۳۵ ورزشکار مرد ایران در چهار رشته ورزشی والیبال نشسته، دوومیدانی، وزنه‌برداری و گلبال، چهار طلا، یک نقره و سه برنز کسب کرده، در جایگاه بیست‌وهفتم می‌ایستند. یکی از آن چهار مدال خوش‌رنگ در والیبال نشسته، نصیب ایران می‌شود تا نام هادی رضایی گرگانی، محمدحسین پرستار حرمی، محسن براتی، غلامحسین (احمد) شیونی مهجوری و محمد مصطفوی تربتی، به‌عنوان خراسانی‌های این تیم و اولین مدال‌آوران طلایی پارالمپیک، جاودانه شود.

۱۹۹۲؛ بارسلونا

کاروان ایران در پارالمپیک ۱۹۹۲ بارسلونا در سه رشته ورزشی با ۲۹ ورزشکار حضور دارد که در مجموع با یک طلا، دو نقره و یک برنز در جایگاه سی‌وهفتم می‌ایستد و تیم والیبال نشسته کشورمان برای دومین بار قهرمان می‌شود. همچنین حسین آقابرچی، متولد ۱۳۱۴ مشهد، در این مسابقات موفق به کسب مدال نقره پرتاب دیسک، مدال برنز پرتاب وزنه و مقام پنجم پرتاب نیزه می‌شود. وی مسن‌ترین شرکت‌کننده این دوره نیز بوده است.

۱۹۹۶؛ آتلانتا

در پارالمپیک ۱۹۹۶ آتلانتا، تیم کشورمان در چهار رشته با ۲۸ ورزشکار مرد و دو ورزشکار بانو شرکت می‌کند. نه طلا، پنج نقره و سه برنز و کسب جایگاه بیستم، حاصل تلاش کاروان ایران است. در این دوره، حسین آقابرچی از مشهد، در پرتاب دیسک موفق به کسب مدال طلا و رکوردشکنی می‌شود. هادی رضایی، محسن براتی برقی، احمد شیونی مهجوری و علی گلکار از غنچی نیز، مهدی‌های طلایی والیبال نشسته هستند.

۲۰۰۰؛ سیدنی

در پارالمپیک ۲۰۰۰ سیدنی، ایران در پنج رشته با ۴۱ ورزشکار شرکت می‌کند (آقایان ۳۷ و بانوان چهار نفر) که در مجموع با دوازده طلا، چهار نقره و هفت برنز در جایگاه شانزدهم توزیع مدال می‌ایستند. در این دوره، دو طلایی والیبال نشسته با مربیگری هادی رضایی، هر سه از مشهد در این دوره هستند. همچنین حسین آقابرچی با ۶۵ سال سن، برنز پرتاب دیسک را تصاحب می‌کند و نیره عاکف نیز با نشان برنز در رشته تیانچه بادی، افتخار کسب اولین مدال پارالمپیک بانوان ایرانی را نصیب مشهدی‌ها می‌کند.

۲۰۰۴؛ آتن

در پارالمپیک ۲۰۰۴ آتن، کاروان کشورمان در ۱۰ رشته، ۹۰ سهمیه دارد (۸۴ نفر آقا و شش نفر خانم) که در پایان رقابت‌ها با شش طلا، سه نقره و سیزده برنز در جایگاه بیست‌وسوم می‌ایستند. علی گلکار، تنها خراسانی تیم والیبال نشسته است که به نشان نقره می‌رسد تا پس از سال‌ها، بوسنی بالاتر از ایران قرار بگیرد. مربی این تیم، هادی رضایی است. نیره عاکف، عضو تیم تیراندازی، دیگر مشهدی این دوره است که هشتم می‌شود.

۲۰۰۸؛ پکن

در این دوره، کاروان ایران در ۹ رشته با ۷۲ ورزشکار (۶۸ آقا و ۴ خانم) شرکت می‌کند و در مجموع با پنج طلا، شش نقره و سه برنز در جایگاه بیست‌دوم توزیع مدال‌ها قرار می‌گیرد. در ادامه نیز محمد حسینی‌فر، همراه تیم والیبال نشسته، قهرمان می‌شود. همچنین سعید رحمتی در رشته جودو کم‌بینایان (وزن شصت کیلوگرم) به مدال نقره دست می‌یابد. سه مشهدی دیگر این دوره، رحمت‌... حسینی عضو تیم گلبال، نیره عاکف عضو تیم تیراندازی و نرگس خزاعی عضو تیم پیکنگ هستند که در این میان، خزاعی به مقام پنجم دست می‌یابد.

۲۰۱۲؛ لندن

در پارالمپیک لندن در سیزده رشته، ۷۹ ورزشکار در کاروان ایران حضور دارند که سهم آقایان ۷۲ و بانوان هفت نفر است. در پایان رقابت‌ها، ایران با ده طلا، هفت نقره و هفت برنز در جایگاه یازدهم قرار می‌گیرد. زهرا جوانمرد و راضیه شیرمحمدی، دو بانوی مشهدی، به‌همراه زهرا نعمتی در تیراندازی با کمان تیمی، با پیروزی مقابل ایتالیا، به مدال برنز می‌رسند.

۲۰۲۰؛ توکیو

در رقابت‌های ۲۰۲۰ توکیو، تیم کشورمان در دوازده رشته با ۱۱۱ ورزشکار (۸۸ آقا و ۲۳ خانم) به رقابت پرداخت و در مجموع با هشت طلا، نه نقره و هفت برنز، جایگاه یازدهم را از آن خود کرد. از میان خراسانی‌های تیم، مهدی بابادی از سبزوار، موفق به کسب طلایی والیبال نشسته شد و هادی رضایی، مرد پرافتخار ورزش مشهد، مربی این تیم بود.